

## عنوان مقاله:

واکاوی مفهوم «کازموپسیس» با رویکرد پیرونیستی در رمان پایان راه اثر جان بارت

## محل انتشار:

دوفصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره 17، شماره 24 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسندگان:

جلال سخنور - استاد گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی

زهرا بردباری - استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

سیدوحید ابطی - دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

## خلاصه مقاله:

جان بارت را می‌توان احیا گر فلسفه پیرونیسم در حیطه ادبیات پسامدرن آمریکا در قرن بیستم دانست. او با خلق شخصیت‌های پیرونیستی به انتقاد از نظام ارزشی در آمریکا پرداخته و اساسا زندگی بی مایه و پوچ انسان را در قرن بیستم دست مایه اثر خویش قرار می‌دهد. پایان راه نمونه ای است موفق از استحاله مفهوم قهرمان به ضد قهرمان که در آن شخصیت‌ها در جدال با واقعیات شکننده زندگی از نوعی اختلال روانی بنام «کازموپسیس» رنج می‌برند. دسیدوفوبیا یا ترس از تصمیم‌گیری که ناشی از تغییر جهان بینی این افراد است موجب شده آنها به نوعی جعل هویت تحت عنوان «اسطوره درمانی» پناه ببرند. از دیگر سو توصیف بارت از سرگشتگی چنین انسانی منطبق با تعریف عقلانیت در فلسفه پیرونیسم است. از اینرو، پرسش اصلی تحقیق اینگونه تبیین می‌شود که اندیشه بارت با وجود همسو بودن با پسامدرنیسم ادبی و گرایش‌های فلسفه جدید که از سوی دکارت و هیوم مطرح شد در حقیقت تجسمی است از شکاکیت پیرونیستی که در اعصار و قرون مختلف به صور گوناگون جلوه گر شده و شکلی تکاملی به خود گرفته است. نویسندگان ضمن بررسی ریشه های تاریخی تردیدگرایی و سیر تحول آن تا پیدایش فلسفه پسامدرن برآند تا دغدغه های بارت را نیز در باب بحران هویت و اصالت معنی تشریح نمایند. این پژوهش با تمرکز بر رمان پایان راه در نهایت نشان می‌دهد که بارت بشر را بگونه ای تصویرسازی می‌کند که در تصمیمات خویش بیشتر از آنکه تابع دلایل عقلی باشد از عواطف و احساسات پیروی کرده و عقلانیت او نیز در عمل راه به جایی نمی‌برد.

## کلمات کلیدی:

اسطوره درمانی، بارت، پیرونیسم، تردیدگرایی، هویت، کازموپسیس

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1268816>

